گزارش «جوان» از ایده برگزاری مراسم ازدواج در کنار مزار شهدا

وقتی شهدا میزبان جشن وصلت زوج‌های جوان می‌شوند

احمد محمدتبریزی

در روزهایی که مسائل و مشکلات اقتصادی بر جنبه‌های مختلف زندگی مردم سایه افکنده و برخی از جوانان نگران تشکیل زندگی مشترک و هزینه‌های بالای آن هستند، برخی دیگر با گره زدن آغاز زندگی مشترک‌شان با مسائل معنوی، به سادگی و با یک توکل پای سفره عقد می‌نشینند و مرحله تازه‌ای از زندگی‌شان را آغاز می‌کنند. سنت زیبای برگزاری مراسم عقدکنان و عروسی در کنار مزار شهدا، کار فرهنگی زیبایی است که روز به روز در حال گسترش است. در صورت فراگیر شدن می‌تواند مشکلات زیادی را از سر راه جوانان در آغاز زندگی مشترک بردارد و مفاهیم تازه‌ای را وارد زندگی‌شان کند. زوج‌های جوان بر مزار شهدای گمنام یا شهیدی که به آن ارادت دارند و زندگی‌اش را سرلوحه‌شان قرار داده‌اند حاضر می‌شوند و در جمع صمیمی مهمانان‌شان، مراسم عقد یا عروسی‌شان را برگزار می‌کنند و زندگی در حضور شهدا و با عطر گل محمدی آغاز می‌شود.

مهدی دورانی | آسمیم

زیبایی و سادگی

عشق‌های بزرگ ساده و بی‌تکلفند. نیازی به جار زدن ندارند و با مشاهده زوجین و رفتار و سکنات‌شان می‌توان به کیفیت عشق‌شان پی برد. در دنیای پر زرق و برق امروزی سادگی اصالت بیشتری دارد. اگر این سادگی با اعتقادات معنوی و باارزش توأم شود زیبایی‌اش به چشم می‌آید. آنها که با سادگی تمام، به دور از هزینه‌های گزاف، سنگ بنای زندگی‌شان را خدایی می‌گذارند، نه تنها خود را از مشکلات اقتصادی رها کرده‌اند، بلکه با آرامش و سبکبالی و با تأسی از شهدا به خانه بخت می‌روند.

سفره سپید عقدشان را بر مزار شهیدی انداخته‌اند و با خلوص و دلدادگی به دور از تشریفات دست و پاگیر مرسوم قصد شروع زندگی مشترک را دارند. همه چیز مراسم‌شان بوی عشق می‌دهد. حالا با حضور این جوانان، مزار شهدا جایی برای جشن و سرور تبدیل شده است. پیراهن‌های سفید و رنگی جایش را به پیراهن‌های مشکی داده و مراسم شادی، جای سوگواری را گرفته است. عکس و نام شهدا در جای جای مجلس حضور دارد و همه لبخندی بر لب دارند و غرق در فضای صمیمی مجلس عقدکنان هستند.

در میان زوج‌های جوانی که مراسم عقد و عروسی‌شان را در مزار شهدا برگزار می‌کنند، نقاط مشترک زیادی وجود دارد. برخی از آنها، مزار شهدای گمنام را برای محل ازدواج‌شان انتخاب کرده‌اند و برخی دیگر پیش از شروع زندگی مشترک شهیدشان را انتخاب کرده‌اند، سبک زندگی‌اش را خوانده‌اند، با اعتقاداتش آشنا شده‌اند و رفته رفته با احساس تحول درونی پی به مفاهیم باارزشی در زندگی‌شان برده‌اند. بیشترشان به درستی ساده‌زیستی را از زندگی شهیدشان آموخته‌اند و فهمیده‌اند غرق شدن در مسائل مادی و دنیوی خوشبختی نمی‌آورد. خوشبختی واقعی در دل آدم‌ها و زمانی است که شخص حضور خداوند را در تمام مرحله زندگی‌اش احساس کند. آنها به نیکی متوجه شده‌اند ساده‌زیستی یکی از کلیدهای خوشبختی است و می‌توان زندگی را جور دیگر دید، فقط به شرطی که چشم‌ها را شست.

ازدواج ساده شهدا

شهدای دفاع مقدس مراسم ازدواج‌هایشان را در نهایت سادگی برگزار می‌کردند و تأکید زیادی بر این موضوع داشتند. خانواده شهید فتح‌الله ژیان‌پناه درباره مراسم عروسی شهید و نحوه برگزاری‌اش می‌گویند: «سفره عقدمان با همه سفره‌ها فرق داشت! به جای آینه شمعدان، تفسیر المیزان را دور تا دور سفره چیده بودیم! برکتی که این تفسیر به زندگی‌مان می‌داد، می‌ارزید به هزاران شگونی که آینه شمعدان می‌خواست داشته باشد. برای مراسم هم برنج اعلا خریدیم ولی فتح‌الله نگذاشت بارش کنیم! می‌گفت: «حالا که این همه آدم ندار و گرسنه داریم، چگونه شب عروسی‌ام چنین غذای گران‌قیمتی بدهم. برنج‌ها را بسته‌بندی کردیم و به خانواده‌های نیازمند دادیم. وقتی برنج‌ها را می‌دادیم فتح‌الله می‌گفت این هدیه امام خمینی(ره) است.»

شهید محمد جهان‌آرا نیز درباره مراسم عروسی‌شان می‌گوید: «همان طور که گفتم نه خریدی داشتیم و نه برنامه خاص دیگر. در منزل ما بدون آنکه وضع خاصی باشد، با لباس ساده و فقط با خرید یک حلقه، زندگی مشترک‌مان را شروع کردیم. ابتدا یکی از دوستان آیاتی از قرآن را تلاوت کرد، بعد در این زمینه صحبتی شد و مراسم عقد با سادگی تمام انجام شد.»

همسر شهید یوسف کلاهدوز نیز خاطره روز ازدواج‌شان را این‌گونه روایت می‌کند: «آینه و شمعدان نخریدیم. الان اگر کسی هیچ خریدی نکند لااقل آینه و شمعدان را می‌خرد، آن هم اصفهانی‌ها که رسم و رسوم‌شان خیلی مفصل است ولی ما خیلی به این چیزها پایبند نبودیم. یوسف هم علاقه‌ای نداشت. همه خرید عقدمان یک حلقه بود با یک جفت کیف و کفش سفید. سر عقد هم لباس سفید خواهرم را پوشیدم!»

آموختن از شهدا

آن روزها زندگی‌ها به واسطه ساده نگاه کردن، نداشتن چشم و هم‌چشمی محکم و بادوام بود. مسائل مادی برای شهدا بی‌اهمیت و در حاشیه بود و در عوض آنها به اخلاق، اعتقادات و رفتار طرف مقابل‌شان نگاه می‌کردند. همسران شهدا هم چنین بودند. با کم‌توقعی بر ایمان، غیرت و مردانگی شوهران‌شان تکیه می‌کردند و پایه‌های زندگی‌شان را محکم برمی‌داشتند.

امروز برخی از جوانان دریافته‌اند برای اینکه پایه‌های خانه‌شان را روی آب نسازند، باید با ایمان و اعتقاد گام بردارند. آنها زندگی شهدا را خوانده‌اند و متوجه شده‌اند گره زدن زندگی به اخلاقیات و معنویات آینده‌شان را بیمه می‌کند. درس‌هایی گرانبها از شهدا آموخته‌اند که فقط می‌توان از زبان معلمان دلسوز شنید.

حسینیه شهدای ستاد معراج شهدای مرکز نیز یکی از این مکان‌های معنوی است که بارها محل برگزاری پیوند آسمانی زوج‌های جوان شده است که علاقه‌مند بودند شهدا شاهد عقد آسمانی‌شان باشند. زوج‌های جوان بسیاری هستند که تمایل دارند مراسم ازدواج‌شان در فضای معنوی معراج شهدا و در جوار پیکر مطهر شهدای گمنام دوران دفاع مقدس برگزار شود به این محل مراجعه کرده و با زیارت پیکر شهدا سر سفره عقد می‌نشینند.

سرهنگ ابراهیم رنگین مسئول ستاد معراج شهدای مرکز در این باره می‌گوید: «برگزاری مراسم عقد و ازدواج در جوار مزار مطهر شهدا، در مقبره‌های شهدای گمنام و مشهد شهدا و بهشت زهرا هیچ سازماندهی خاصی نداشته است و از سال‌ها پیش این موضوع به صورت خودجوش و ذوقی از طرف مردم در این مکان‌های مقدس برگزار شده است اما به طور مرسوم از سال ۹۴ به بعد این مراسم‌ها میان مردم رواج بیشتری پیدا کرد. اولین عقد آسمانی در دی ماه سال ۹۵ در حسینیه شهدای معراج شهدا برگزار شد. هدف ما از برگزاری مراسم عقد زوج‌های جوان در معراج و در کنار پیکر مطهر شهدای گمنام، رواج موضوع ازدواج آسان بود که طرفداران زیادی هم پیدا کرد. وقتی دو، سه مراسم ازدواج در معراج برگزار شد، دیدیم که داوطلبین زیادی پیدا شدند. تا الان هم ۶۲ پیوند آسمانی در ستاد معراج شهدای مرکز برگزار شده است.»

> این یک دعوت بود. ما لایق این نبودیم که شهدا به مجلس ما بیایند، با عنایت‌شان، مهمان شهدا شدیم. اغراق نیست اگر بگویم که با مهمان‌نوازی شهدا، بهترین پیوند ازدواج در این دوران رقم خورد و شاید تأکید آسمانی بودن این پیوند، حلقه‌های اشکی بود که در چشمان مهمانان می‌شد نظاره کرد

مهمانی شهدا

راحله کریمی زارچی عروس جوانی است که پیوند زناشویی‌اش را در کنار مزار شهید همت برگزار کرد و حس و حال این مراسم برای همیشه در یاد و خاطرش مانده است. او دلیل انتخاب مزار شهید همت برای برگزاری مراسم عقد را چنین بیان می‌کند: «از طریق خواهرم با شهید همت آشنا شدم. آن روز وقتی خواهرم عکس این شهید را به خانه آورد، حس کردم احساس شهید همت متفاوت است. علاقه‌ام به این شهید هر روز بیشتر از گذشته شد و عکس این شهید را بین کتاب‌های دانشگاه و روی دیوار اتاقم قرار دادم. همیشه در نمازهایم برای این شهید دعا می‌خواندم و شهید همت به عضوی از خانواده ما تبدیل شده بود.»

این عروس جوان در ادامه درباره روز عقدکنان می‌گوید: «بعد از مراسم عقد تصمیم گرفتیم ماه عسل را به گلزار شهدا برویم. آرزو داشتم که سفره عقد زندگی مشترک‌مان کنار مزار شهید همت برپا شود. مقدار کمی از وسایل سفره عقد را همراه برداشتیم و به گلزار شهدای امامزاده شاهرضا(ع) در شهرضا رفتیم. از دور وقتی مزار شهید همت را دیدم منقلب شدم و ساعت‌ها کنار مزار این سردار شهید اشک ریختم. چفیه‌ای را به عنوان سفره عقد پهن کردیم و وسایل را روی آن قرار دادیم. مردم و خادمان امامزاده وقتی از موضوع باخبر شدند کنار ما آمدند و مراسم باشکوه و به یادماندنی را برای ما برپا کردند. من در زیر چادر فقط صدای گریه و دعای مردم را می‌شنیدم. همه خوشحال بودند و خادمان امامزاده بر سر ما نقل ریختند و بین مردم شیرینی پخش کردند.»

عروس دیگری که مراسم ازدواجش را کنار مزار شهدای گمنام برگزار کرده، درباره روز ازدواجش می‌گوید: «شاید اگر برنامه ازدواج ما مانند دیگر زوج‌ها با همان زرق و برق‌های خاص دنیایی همراه بود، به یقین این چنین جشن ساده‌ای به خوبی برگزار نمی‌شد. این یک دعوت بود. ما لایق این نبودیم که شهدا به مجلس ما بیایند، با عنایت‌شان، مهمان شهدا شدیم. اغراق نیست اگر بگویم که با مهمان‌نوازی شهدا، بهترین پیوند ازدواج در این دوران رقم خورد و شاید تأکید آسمانی بودن این پیوند، حلقه‌های اشکی بود که در چشمان مهمانان می‌شد نظاره کرد و این نوع برگزاری مراسم ازدواج در حقیقت لبیکی بود به وفاداری بر ارزش‌ها و آرمان‌های این انقلاب که تا آخرین نفس، شهدا را نظاره‌گر بر اعمال‌مان می‌دانیم و به پاس خون‌شان از میراث ماندگارشان محافظت می‌کنیم.»

مهمان کردن شهدا در مراسم عروسی برکات زیادی به همراه دارد. در کنار اینکه از همان نخستین لحظه‌های شروع زندگی مشترک عطر و حلاوت حضور شهدا در جای جای زندگی احساس می‌شود، به وقت نیاز و دلتنگی می‌توان به شهدا رجوع کرد و از آنها کمک خواست. وقتی دو زوج با اهدافی آسمانی پیمان مشترک زندگی‌شان را شروع کنند قطعاً نگاه ویژه شهدا را در زندگی‌شان احساس خواهند کرد.

برای اجرایی کردن چنین تصمیمی نیاز به انجام کار پیچیده‌ای نیست. همه چیز با یک توکل خدایی شروع می‌شود. با صاف کردن دل، به اینکه بدانی زندگی‌ات را می‌خواهی روی چه چیزی بسازی و در زندگی به دنبال چه می‌گردی. زندگی محل گذر است و در وانفسا نباید فقط به دو روزه دنیا دل خوش کرد. باید برای آینده برنامه‌های ماندگار داشت و در این مسیر ازدواج و داشتن یک همراه خوب می‌تواند انسان را بیشتر به سمت کمال سوق دهد. ازدواج باید محلی برای پیشرفت و بزرگ شدن روح آدمی باشد و اگر زندگی مشترک را به اهداف کوچک مادی پیوند بزنیم، دست‌های‌مان خالی خواهد ماند. کلافه و سردرگم خواهیم شد که چیزی نیندوخته‌ایم.

وادی کتاب

نگاهی به کتاب «روزهایی به رنگ آسمان»
خاطرات آزاده محمدعلی صمدی

شکنجه‌های قرون وسطی در اردوگاه تکریت ۱۱

علیرضا محمدی

سختی‌های تحمیل شده به اسرا در اردوگاه‌های رژیم بعث عراق آن قدر مشقت‌بار بود که شرح آن برای نسل جوان دشوار و شاید باورنکردنی باشد. کتاب «روزهایی به رنگ آسمان» خاطرات آزاده محمدعلی صمدی، از کتاب‌های مفید در حوزه ادبیات اسارت است که در آن به خوبی مشکلات عدیده اسرا در اردوگاه تکریت ۱۱ نقل می‌شود. این اردوگاه که مختص اسرای مفقود بود، بدترین شرایط را برای رزمندگان ایرانی دربند داشت. در این مجال و به قلم آزاده محمدعلی صمدی و سیده‌زهره علمدار (نویسنده دوم کتاب) به نمونه‌هایی از شرایط بغرنج اردوگاه تکریت ۱۱ اشاره می‌کنیم.

«در استخبارات باید با پنج شماره دستشویی می‌رفتیم. مشکل فقط همین نبود، شکنجه دیگری که صدها برابر بدتر از ضرباتی بود که به جسم‌مان فرود می‌آمد یکی بودن ظرف آب و ادرار بود. سطلی برای اجابت مزاج گوشه اتاق گذاشته بودند که آن را خالی می‌کردند و داخلش آب برای آشامیدن می‌ریختند! مجبورمان می‌کردند از همین آب بخوریم.»

سراسر کتاب روزهایی به رنگ آسمان مملو از توصیف چنین صحنه‌هایی است. توصیف شرایط سخت اسارت توسط شقی‌ترین

> اسرای تکریت ۱۱ تا آخرین روزها قبل از آزادی جزو آمار صلیب سرخ به حساب نمی‌آمدند و به همین خاطر کشته شدن زیر شکنجه‌های دشمن امری عادی بود اما عاقبت این روزهای سخت و تلخ به پایان می‌رسد و باقی‌مانده اسرای این اردوگاه نیز آزاد می‌شوند

دشمنان که بویی از انسانیت نبرده بودند. محمدعلی صمدی از رزمندگان یزدی که در مراحل تکمیلی کربلای ۵ به اسارت درآمده بود، به خوبی شرایط بغرنج آن روزها را تعریف می‌کند. خود نیز اذعان می‌دارد که شاید درک و باور چنین صحنه‌هایی برای نسل جوان مشکل باشد اما او ناگزیر از شرح واقعیت‌هاست تا برای تاریخ یادگار بماند.

«زندگی در زندان الرشید در بدترین شرایط سپری می‌شد... بوی خون و بوی عرق باعث شد تا انواع جانوران موذی از جمله شپش و حشرات موذی آزارمان دهند. آب برای خوردن نبود چه رسد به استحمام و نظافت. در سلول جا حتی برای نشستن نبود چه رسد به خواب، افرادی مثل رمضان سلیمی اهل مازندران که چاق بودند بالش ۱۰، ۲۰ نفر از بچه‌ها می‌شدند تا دقایقی سرشان را روی بدن آنها بگذارند... رمضان خوشحال بود که به این بهانه می‌تواند ساعتی دراز بکشد و به تن خسته‌اش استراحتی بدهد!»

اغلب اسرایی که به اردوگاه تکریت ۱۱ منتقل می‌شدند، ابتدا استخبارات و زندان الرشید را تجربه می‌کردند و سپس به تکریت منتقل می‌شدند. در زادگاه صدام اردوگاهی که گویی پیشتر گاوداری بود وجود داشت که می‌خواستند آن را محل اسکان اسرای مفقودالاثر کنند. از همین رو خود اسرا باید محیط آنجا را برای تبدیل شدن به اردوگاه آماده می‌کردند.

«ساختمان سوله‌ای اردوگاه قبل از آن متعلق به گاوداری بود... به هر آسایشگاه یک سطل بزرگ، سه سطل کوچک و دو جارو دادند و دستور دادند آسایشگاه را تمیز کنیم... پوست دست‌ها به خاطر جارو زدن حسابی نازک شده و تاول زده بود... زجرآورترین شکنجه‌ها دستشویی رفتن بود. کل اردوگاه در ۱۰ دقیقه باید کارش با دستشویی تمام می‌شد... کتک خوردن عادی شده بود، اگر یک روز کابل نمی‌خوردیم تعجب می‌کردیم و دنبال علتش می‌گشتیم!»

انجام واجبات و شعائر مذهبی در اردوگاه تکریت ۱۱ خود حکایتی دیگر داشت چراکه عراقی‌ها حتی اجازه نماز خواندن به اسرای ایرانی نمی‌دادند. در یک بخش از کتاب می‌خوانیم: «هجدهم فروردین ۶۶ برای اولین بار اجازه دادند نماز بخوانیم. اما تک‌تک و فرادا. همین هم غنیمتی بود که بتوانیم بعد از ماه‌ها، بدون ترس و دلهره نماز بخوانیم. حتی اگر بدون مهر و به حالت نشسته باشد... ماه رمضان ۱۰ روز مخفیانه روزه گرفتیم. بعد از ۱۰ روز روزه گرفتن آزاد شد... اما به اسرایی که روزه نمی‌گرفتند غذای بهتر و بیشتری می‌دادند. ضمن اینکه از آزادی بیشتری برخوردار شدند... کتک خوردن و نگاه نکردن ما به تلویزیون تا ظهر عاشورا ادامه داشت. ظهر عاشورا، بدن‌ها زخمی و قلب‌ها جریحه‌دار بود. بعثی‌ها از کتک زدن خسته شدند.»

شیوع بیماری فراگیر در اردوگاه، شهادت اسرا زیر شکنجه یا بر اثر ابتلا به بیماری‌ها و... از دیگر مصائبی بود که مفقودین تکریت ۱۱ با آن روبه‌رو بودند: «تعداد مبتلایان به گال هر روز افزایش می‌یافت. بیماری جَرَب نیز اضافه شد...» اسرای تکریت ۱۱ تا آخرین روزها قبل از آزادی جزو آمار صلیب سرخ به حساب نمی‌آمدند و به همین خاطر کشته شدن زیر شکنجه‌های دشمن امری عادی بود اما عاقبت این روزهای سخت و تلخ به پایان می‌رسد و باقی‌مانده اسرای این اردوگاه نیز آزاد می‌شوند. «کسی باور نمی‌کرد اسرای مفقود تکریت که نه نامی در لیست صلیب سرخ داشتند و نه نشانی از آنها داده شده بود آزاد شوند. در این اردوگاه بیش از ۵۰ نفر از بچه‌ها مظلومانه و غریبانه جان دادند و به شهادت رسیدند. بدترین شکنجه‌های قرون وسطی در اینجا اجرا می‌شد. باور نمی‌کردیم که روزی به سلامت به میهن بازگردیم.»

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۵۴۶۵

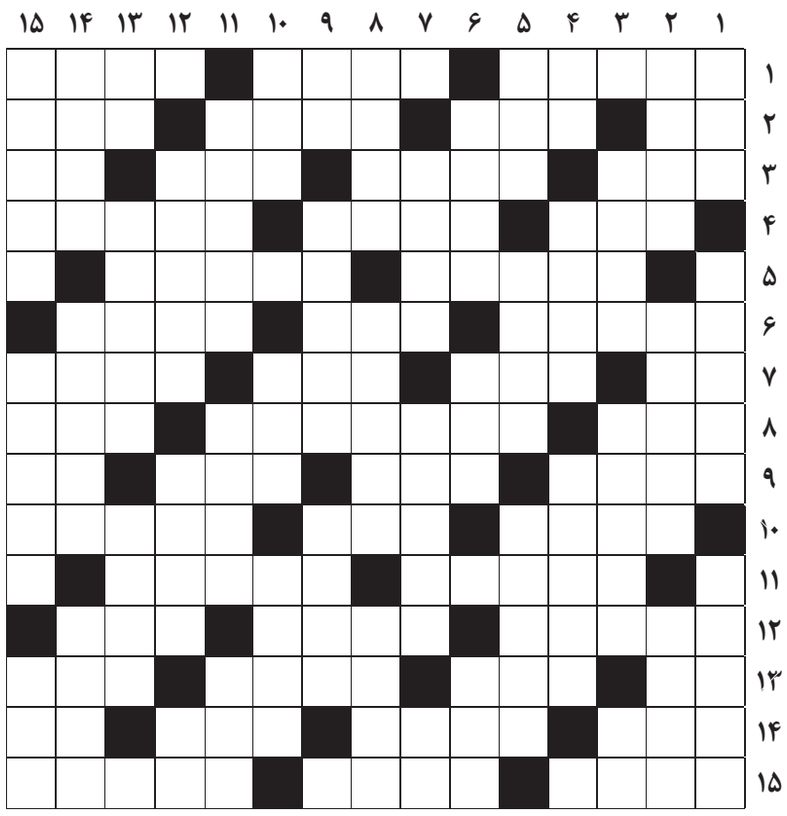

از راست به چپ

■۱- جهانگرد ونیزی- پول بسیار ناچیز- نمایشنامه مولیر ■۲- ضمیر غایب- شوق و ذوق- متاع، کالا- جنگ ■۳- تزویر- مهراس- کارزار- ماه سرد ■۴- قبل، پیش- پارسا- رنجیده ■۵- جایزه تشویقی- تئاتر ■۶- گذرگاه سرپوشیده برای عرضه کالا به خریداران- سینمای فاجعه‌آفرین آبادان- خوردنی اقتصادی ■۷- همراه ناله- شهر مازنی- بهشت شداد- فدراسیون بین‌المللی بسکتبال ■۸- جایز و شایسته- بخشی از خودرو است که در داخل و زیر شیشه جلویی خودرو قرار دارد- سفیدموی شاهنامه ■۹- از عناصر جدول تناوبی که دارای عدد اتمی ۲۴ است- واحد پول رومانی- غذای تزریقی- جدید ■۱۰- در اوستا به معنی مقدس آمده است- چرک و جراحت- قلب قرآن ■۱۱- قسمی آش که با آرد گندم سازند- بهره هوشی ■۱۲- نمایش‌نامه ویلیام شکسپیر- صلح و آشتی- خواسته دل ■۱۳- شامل همه- اسب چاپار- سخن بیهوده- رود بزرگ سوئیس ■۱۴- درختی همیشه سبز- لباس پوشیدن- سیل- قلق ■۱۵- کاسب آن را ممنوع کرده است- آتش‌سوزی- پدر بزرگ ماشین حساب

از بالا به پایین

■۱- خزنده نیش‌دار- چهارمین رئیس جمهور مصر- همیشه ته چاه است! ■۲- از یاران امام علی- خدای بزرگ ایرانیان باستان- بالکن ■۳- پخته شده در آب- کوه جداکننده آسیا از اروپا- پادگانی در تهران ■۴- تکرارش آوای فاخته است- لقب پادشاهان مغول- سرپرست اوقاف یک ناحیه ■۵- پول- سلام- منتظران قیامت ■۶- دانشمند- بچه شتر مرغ- نمک ■۷- بین پیچ و مهره- ورزشی آبی- خشکی ■۸- اقبال- گاوچران امریکایی- جریان مستقیم برق ■۹- مساوی- غذای بسته بندی شده- ماندنی ■۱۰- مجازاً به معنی خیره شدن است- الفبای تلگراف- خدای یهود ■۱۱- نام آزمون، مهاجم تیم ملی- سکه طلا در عهد هخامنشی- مقابل همه ■۱۲- رشته‌ای از پوست گیاه- بی آن فطیر است- جفت ماده ■۱۳- رأس- نوعی سبزی- پایتخت فیجی ■۱۴- شیرینی معروف- زد و بند- رهرو ■۱۵- زن گندمگون- خانه کوچک- گله گاو و گوسفند

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

۹			۲	۶		۸		۵
۳								
				۷	۹			۲
	۹	۵						
	۴		۹		۲			
						۶	۴	
			۷	۵	۸			
						۵	۶	
	۲	۸						

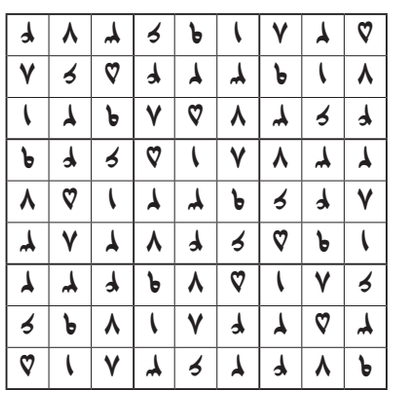

جدول کلمات متقاطع
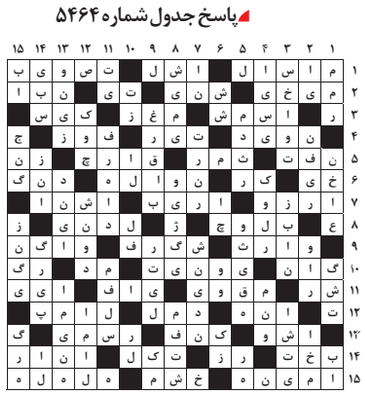
پاسخ جدول شماره ۵۴۶۴